

## بررسی وضعیت عمومی کشور سوئیس

### نویسنده: سحر کریمی

#### چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان « بررسی وضعیت عمومی کشور سوئیس » میباشد که به روش توصیفی<sup>۱</sup> تحلیلی به بررسی کلیات کشور سوئیس از جمله تاریخ، جغرافیا، سیاست و اقتصاد می پردازد. چرا که سوئیس از جمله ثروتمندترین کشورهای جهان به حساب می آید و دارای سابقه ی طولانی بی طرفی در مناسبات جهانی است. هدف از پژوهش حاضر آشنایی بیشتر با سیستم داخلی کشور سوئیس میباشد. و یافته ها حاکی از آن است که سوئیس در مرکز اروپا واقع شده است و بنا به قدمت طولانی این کشور و وضعیت خاص تاریخی که باعث اتحاد این کشور شد، موجبات اتخاذ سیاست بی طرفی آن را فراهم کرد که تا به امروز هم ادامه دارد.

#### واژه های کلیدی: سوئیس، وضعیت عمومی، سیاست سوئیس، اقتصاد سوئیس.

#### مقدمه

سوئیس کشوری است با سیستم فدرالیسم، که دارای ۲۶ کانتون یا ایالت می باشد. این کشور از ثروتمندترین کشورهای جهان به حساب می آید و دارای سابقه طولانی بی طرفی در مناسبات جهانی است. این کشور مقر سازمان های بین المللی متعددی می باشد و یکی از دو دفتر اروپایی سازمان ملل در این کشور و در شهر ژنو قرار دارد. از نظر جغرافیایی وضعیت خاصی را دارا است. به گونه ای که یکی از کوهستانی ترین و مرتفع ترین کشورهای اروپا است. که در این مقاله به صورت مختصر و مفید وضعیت عمومی آن مورد بررسی قرار می گیرد.

#### وسعت و موقعیت جغرافیایی

کشور سوئیس به عنوان کوهستانی ترین و مرتفع ترین کشور اروپا با ۴۱۲۹۳/۱ کیلومتر مربع وسعت به عنوان صد و سی و سومین کشور جهان در نیمکره شمالی و شرقی، در مرکز اروپا و بدور از دریا های آزاد واقع شده است. این کشور ۱۸۵۲ کیلومتر خطوط مرزی دارد، که از شمال با آلمان ۳۳۴ کیلومتر، از شمال غربی و غرب با فرانسه ۵۷۳ کیلومتر، از جنوب با ایتالیا ۷۴۰ کیلومتر و با اتریش و لیختن اشتاین به ترتیب ۱۶۴ و ۴۱ کیلومتر دارای مرز های مشترک می باشد. شایان توجه است که دو سوم از مرزهای سوئیس با این کشورها را رودخانه ها، دریاچه ها و رشته کوهها تشکیل می دهند. سه منطقه ی اصلی جغرافیایی سوئیس رشته کوههای آلپ سوئیس، فلات سوئیس و کوههای «ژورا» می باشند. رودهای مهم سوئیس رودخانه «راین» که با انشعاباتش ۴۹/۷ درصد آبهای این کشور را تشکیل می دهد. همچنین رودخانه «رن» ۱۸ درصد آبهای سوئیس در آن جاریست و رودهای کوچک و محلی همچون «پو» و «دانوبکه» مجموعاً ۲۷/۹ درصد آبها این کشور را شامل می شوند. این رودها پس از عبور از درون کشور سوئیس وارد خاک کشورهای همسایه می شوند و پس از گذشتن از درون این کشورها به دریای شمال، دریای مدیترانه و دریای سیاه می ریزند. پست ترین و بلندترین نقاط کشور سوئیس شهر «آسکونا» در کانتون «تسن» با ۱۹۶ متر ارتفاع از سطح دریا، و قلعه ی «دفور» با ارتفاع ۴۶۳۴ متر می باشد. بزرگترین آبشار اوپا، آبشار راین است که ۱۵۰ متر پهنا و ۲۵ متر ارتفاع دارد، همچنین طولانی ترین رودخانه راین، با ۳۷۵/۵ کیلومتر، و بزرگترین دریاچه، دریاچه ژنو، با ۸۴/۳ مربع می باشد. نام رسمی این کشور «کنفدراسیون سوئیس» می باشد که با نام بین المللی «سوئیس زلند» و با اسامی محلی به زبان فرانسه «سوئیس»، ایتالیایی «سویتسرا» و لاتین «هلوتیا» نیز خوانده می شود.

#### تقسیمات کشوری

سوئیس مرکب از ۲۶ کشور یا ایالت است که آن را کانتون می خوانند، ۶ تای آن نیم ایالات است. هر یک از ایالات دو سناتور در مجلس سنا دارند، به استثنای نیم ایالت ها که هر کدام تنها یک سناتور به مجلس سنا می فرستند. پس از ایالتها، کمون ها قرار دارند. در سوئیس کمون به کوچکترین واحد سیاسی و اداری اطلاق می گردد. کمون ها از حیث تعداد اعضاء و وسعت بسیار متفاوتند. کوچکترین آن ها از چند صد نفر سکنه و بزرگترین آن ها زوریخ بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارد. در سال (۱۹۹۸م)، بیش از سه هزار کمون در سوئیس وجود داشته است. هر شهروند سوئیسی به طور قانونی عضو یک کمون محسوب می گردد. یعنی عضویت در کمون یک امر ارثی می باشد.

### ۱- شهرهای مهم

زوریخ بین شهرهای سوئیس به مروارید مشهور است، که با جمعیت ۱/۱۰۱/۷۱۰ نفری بزرگترین شهر این کشور می باشد. رود «لیمات» از وسط آن می گذرد و آنرا به دو قسمت شهر کوچک و شهر بزرگ تقسیم می کند. که با پلهای متعدد ساخته شده، دو قسمت شهر به هم وصل می شود.

ایالت برن، از کوههای آلپ تا کوهستان های سنگی ژورا امتداد دارد، و شامل دشتهای حاصلخیز بین این دو رشته کوه است. شهر برن از سال (۱۹۴۸م)، پایتخت سوئیس و مرکز دولت فدرال بوده است، که دارای تمام شایستگیهاست که برای یک پایتخت لازم است.

ژنو یکی دیگر از شهر های دیدنی و از مراکز مهم صنعتی سوئیس است، که اسکله های پوشیده از گل، ورود انسان را به این شهر خوش آمد می گویند. موقعیت شهر ژنو که مرکز ایالت ژنو است، در مغرب سوئیس مانند موقعیت بال در شمال غرب این کشور است. این شهر دروازه ی سوئیس از سوی فرانسه است و در انتهای جنوب غربی دریاچه واقع شده است، در این شهر خیابان های تنگ و قدیمی، پهلو به پهلو خیابان های بزرگ و عریض جدید، ساختمان های قدیمی در کنار ساختمان های کاملاً جدید امروزی قرار گرفته است که خصیصه متضاد انسان، یعنی میل به تازه جویی و علاقه به آثار کهن در آن به خوبی هویدا است. ژنو شهر بین المللی سوئیس، و شهریست که بیشتر شهرت آن مرهون خارجیان آن است و در جهان به شهر سیاست بین المللی مشهور شده است. ژنو در واقع به دو قسمت تقسیم می شود، یکی قسمت بیگانگان و بین المللی شهر، و قسمت دیگر شهر محلی اروپائی، یعنی شهر ژنویها که با سنن چند صد ساله خود زندگی می کنند. این شهر کاخ فعالیتهای سازمان «ملل متحد» و مرکز پیش از صد و پنجاه سازمان دیگر است که تمام فعالیتهای گوناگون بشر را در بر می گیرد.

### ۲- اختیارات کانتون ها

هر یک از کانتون ها می تواند پیش نویس قانون تهیه و آنرا برای تصویب به مجالس نمایندگان یا مجلس سنا تسلیم نماید. مجلس پس از رسیدگی مقدماتی، اگر آن را شایسته طرح یافت به کمیسیون مربوط در مجلس ارجاع خواهد نمود. پیش نویس قانون به وسیله ایالات مانند پیشنهاد اعضای مجلس مورد رسیدگی و اظهار نظر قرار می گیرد. مهمترین اقتدار حکومت ایالات در امور داخلی تأسیس شهرداری ها است، که به موجب قوانین ایالات تشکیل و تا حدودی از استقلال بهره منداند. هر ایالت با رعایت اقتدارات حکومت فدرال و همچنین منافع و مصالح آن و حقوق ایالات دیگر، می تواند با دولت های خارجی و دیگر ایالات عهدنامه منعقد کند. اما تنها مکلف است مراتب را به آگاهی حکومت فدرال برساند. و حکومت فدرال هم مکلف است در روابط خارجی، اقتدارات ایالات را در نظر داشته باشد.

### نژاد

مردم سوئیس آریایی نژاد و سفید پوست و از چهار شعبه مختلف می باشند؛  
الف) نواحی شمال شرقی از نژاد آلمانی (ژرمن) هستند و تعداد شان برابر ۶۸ درصد از کل سکنه سوئیس است.  
ب) نواحی جنوب غربی از نژاد سلت هستند.  
ج) نواحی جنوبی از نژاد لاتین هستند.

د) نواحی شمالی از نژاد قدیمی «رت» می باشند.

### مذهب

براساس نظر سنجی عمومی اتحادیه اروپا در سال (۲۰۰۰م)، وضعیت مذهب سوئیس ۴۱/۸ درصد کاتولیک، ۳۵/۳ درصد پروتستان، ۱/۸ درصد ارتدوکس، ۴/۳ مسلمان، ۳ درصد یهودی و بقیه اظهار نظر نکرده اند. پروتستان های سوئیسی از فرقه کالونیست و لوتران هستند. کلیسای در ارگان های حقوقی و فانوگذاری سوئیس نقشی ندارد و تنها از نظر بعد فرهنگی و اجتماعی روی مردم آن کشور خصوصاً روستائیان و شهرهای کوچک موثر است. در سوئیس اساساً پیروان تمامی مذاهب از آزادی عقیده و عمل به فرایض دینی خود برخوردارند و براساس قانون اساسی (۱۸۴۸م)، این کشور، آزادی مؤسسات دینی و مذهبی مورد تأیید قرار گرفته است.

### پیشینه تاریخی

اولین ساکنان سوئیسی سلتی های بودند که پیش از تسلط رومیان بر سوئیس در کوهستان های آلپ و ژورا تیره ای از این قوم که هلوتیاییها نام دارند، ساکن شدند و آنجا را هلوتیا نامیدند. هلوتیا توسط ژولیوس سزار امپراتور روم در سال (۵۸ ق.م)، تصرف شد. بین سده های پنجم و ششم میلادی ژرمن ها به این سرزمین وارد شدند، و در ساحل خاوری رود آر ساکن شدند، و جامعه ای را به اتفاق اقوام بورگون و فرانک تشکیل دادند. در سال (۶۳۹ م)، دولتی پدید آوردند که بعدها به فرانسه معروف شد. در سده ی نهم بین سواییا و بورگونی علیا تقسیم گردید و در (۱۰۳۳ م)، تحت نظارت امپراتور مقدس روم وحدت یافت. که در سده ی سیزدهم بین کنت ها و خاندان هابسبورگ و ساووا تقسیم گردید.

اما پیشینه ی تاریخ جدید کنفدراسیون سوئیس ۷۰۰ سال می باشد که تاریخ استقرار و بنیانگذاری آن به سال (۱۲۹۱ م)، باز می گردد. بدین لحاظ این کشور، را با نظام سیاسی خاص حاکم بر آن، می توان جزء کهن ترین نظام های حکومتی و از معدود دموکراسی هایی دانست که در دوران سیاه موسوم به «قرون وسطی» متولد شد. در سال (۱۲۹۱ م)، سه منطقه ی اوری و شواتیس و نیدوالدن اتحادیه ای تشکیل دادند که اساس کنفدراسیون سوئیس قرار گرفت. اتحادیه ی مذکور در سال (۱۳۱۵ م)، بر خاندان هابسبورگ پیروز شد و به دنبال آن، نواحی لوسرن، زوریخ، تسوگ و گلاروس نیز به اتحادیه مذکور پیوستند و شکست قطعی به اثریشی ها که همواره به خاکشان تجاوز می کردند وارد نمودند. در سده ی پانزدهم این کنفدراسیون جزء قدرتهای نظامی درجه اول گردید و نواحی آرگانو، تورگائو و دره هایی تیچینو را تصرف نمود و بر شارل دلیر و امپراتور ماکسیمیلیان اول پیروز شد که ماکسیمیلیان در سال (۱۴۹۹ م)، استقلال آن را به رسمیت شناخت. پیوستن نواحی دیگر چون گریزون، ژنو و سنت گالن بر اقتدار سوئیس افزود. در سال (۱۵۱۵ م)، سوئیس ها در مارینیانو از فرانسوها شکست خوردند و از آن به بعد سوئیس سیاست بی طرفی پیشه کرد.

اصلاحات دینی که تسوینگلی و کالون تبلیغ می کردند منجر به کشمکش های و جنگهای داخلی منجر شد، که وحدت سوئیس را به مدت دو قرن متزلزل نمود. سوئیسی ها در جنگهای سی ساله بی طرفی خود را حفظ کردند و در پیمان صلح وستفالی، استقلال سوئیس رسماً شناخته شد. در دوره ی انقلاب کبیر فرانسه، تحت عنوان جمهوری هلوتیا متحد شد، و ناپلئون در سال (۱۸۰۳ م)، کنفدراسیون سابق را مجدداً برقرار کرد.

در سال (۱۸۱۵ م)، ۹ کانتون دیگر به کنفدراسیون ملحق گردید، که شمار کانتونها به تعداد کنونی رسید، و بی طرفی سوئیس برای همیشه تضمین گردید. در جنگ زوندربونند در سال (۱۸۴۷ م)، رادیکالها به پیروزی رسیدند و در (۱۸۴۸ م)، اتحاد سابق به یک کشور متحد فدرال مبدل شد. قانون اساسی سال (۱۸۷۴ م)، ساختار کاملاً نوبی ایجاد کرد و دموکراسی مستقیم را از طریق برگزاری فراندوم برای مسائل مهم کشوری در نظر گرفت. سوئیس در جنگهای اول و دوم بی طرف ماند و در سال (۱۹۲۰ م)، به جامعه ی ملل پیوست. در سالهای پس از جنگ جهانی به پیشرفت های فراوانی نایل آمد و شهرهای مهم آن به مراکز سازمان های بین المللی مبدل شد. در سال (۱۹۷۹ م)، کانتون فرانسه زبان ژورا تأسیس شد، و تعداد کانتونهای سوئیس به ۲۶ کانتون رسید.

### قانون اساسی

در سال (۱۸۴۷م)، سیزده ایالت از سوئیس، کمیسیونی را به منظور تهیه طرح قانون اساسی معین نمودند، که پس از پایان مخاصمات داخلی تعداد اعضای کمیسیون به ۲۳ عضو اضافه شد، و در ماه مه سال ۱۸۴۸، بحث و بررسی به منظور تصویب قانون اساسی را آغاز نمودند، و متن نهایی در ۲۷ ژوئن ۱۸۴۸، متشکل از یک مقدمه و ۱۲۳ اصل به تمام ایالتها فرستاده شد تا چنانچه نظر خاصی داشته باشند اعلام کنند، که در ۱۲ سپتامبر ۱۸۴۸، ۱۵ ایالت تصویب قانون اساسی را اعلام نمودند، و بلافاصله لازم الاجرا اعلام شد. اولین بازنگری در سال (۱۸۶۴م)، سپس در سال (۱۸۶۶م)، مجدداً مورد بازنگری قرار گرفت. در سالهای (۱۹۷۱ و ۱۹۷۰م)، با توجه به تحولات اروپا علی الخصوص جنگ فرانسه و آلمان، به منظور تقویت اختیارات دولت مرکزی، قانون اساسی مورد بازنگری کلی قرار گرفت. و در سال (۱۸۷۴م)، مجلس فدرال، قانون اساسی را که کاملاً مورد بررسی قرار گرفته بود، با اصلاحات تصویب و به اجرا گذارد.

پذیرش قانون اساسی فدرال نشانگر گذر از کنفدراسیونی که صرفاً پیوند های ضعیفی آن ها را به هم مرتبط ساخته بود، به یک دولت فدرال واقعی است. که قدرت مرکزی آن از اختیارات بسیار گسترده ای برخوردار است. براساس سوابق قانون اساسی سوئیس از ابتدا تا کنون، متجاوز از ۲۱۶ طرح برای بازنگری ارایه شده است.

رفتارندوم های مربوط به تغییر قانون اساسی در ۱۵۶ مورد با پذیرش، و در ۶۰ مورد با عدم پذیرش مردم رو به رو شده است. که پیوستن به جامعه ملل در سال (۱۹۲۰م)، عدم پذیرش پول واحد اروپایی در سال (۱۹۹۲م)، و عضویت در سازمان ملل متحد در سال (۲۰۰۲م)، نیز موجبات تغییر در قانون اساسی سوئیس نشده است. اما همه پرسى در مورد تغییرات محتوای قوانین عادی که اولین بار در سال (۱۸۹۱م)، برگزار شد تا به امروز بیش از ۲۰۰۰ بار مردم سوئیس را به پای صندوق های رای کشانده است، که اکثر این رفتارندوم ها با رای منفی مردم روبه رو شده است.

براساس قانون اساسی، کنفدراسیون سوئیس به تعدادی ایالتهای متحد تقسیم می شود، که در چارچوب مرزهای خود از اختیار تام برخوردار می باشند، مگر در مواردی که قانون اساسی قدرت آن ها را محدود کرده است و اختیاری را به دولت فدرال تعویض نموده است.

مقامات فدرال در وهله ی اول مسئول وضع و اجرای قوانین مدنی، جزائی، بازرگانی، قوانین ناظر بر ازدواج، سکونت، عوارض گمرکی بر صادرات و واردات، دفاع، پست، خدمات تلفنی و وضع تلگراف، ضرب سکه و اسکناس، جنگلداری، شکار و ماهیگیری، نیروی برق آبی، اقتصاد راه آهن، پلها و جاده های مهم، تأمین اجتماعی و امور بین المللی می باشد. درآمدهای دولت فدرال از طریق مالیاتهای مستقیم (مانند مالیات بر امور دفاعی) و غیرمستقیم تأمین می شود. سود حاصل از فعالیت شرکت های دولتی و درآمد های ناشی از عوارض گمرکی نیز در اختیار مقامات فدرال قرار می گیرد.

در قانون اساسی سوئیس آمده است که شأن و مقام انسان محترم است از آن پشتیبانی می شود. که حقوق و آزادی های مندرج در قانون اساسی چنین می باشند: برابری در مقابل قانون، هیچ فردی مورد تبعیض واقع نمی شود. به ویژه به لحاظ تبار، زن یا مرد بودن، سن، زبان، مقام اجتماعی، روش و شیوه زندگانی، مذهب، افکار و عقاید فلسفی یا سیاسی یا معلولیت های بدنی یا روانی، حق حیات، آزادی مذهب و عقاید فلسفی و آزادی رسانه ها، آزادی اجتماعات، آزادی مسکن، تضمین های عام در دادرسی، رسیدگی به علت بازداشت اشخاص و ...

## احزاب

براساس اصل ۵۶ قانون اساسی فعالیت احزاب سیاسی در سوئیس در چارچوب قانون اساسی، مشروط به اینکه اهداف و امکاناتی که به کار می گیرد مغایر با قانون نباشد یا خطری را متوجه دولت ننماید، آزاد است. بعد از تشکیل احزاب ملی در سوئیس مانند حزب سوسیالیست در سال (۱۸۸۲م)، و حزب رادیکال در سال (۱۸۹۴م)، حزب محافظه کار به عنوان نماینده کاتولیک ها تأسیس شد. که در سال (۱۹۷۰م)، حزب محافظه کار به دموکرات مسیحی تغییر نام داد. از سال (۱۹۵۵م)، دولت سوئیس از

ائتلاف احزاب سوسیال دموکرات، رادیکال دموکرات، دموکرات مسیحی و حزب مردم تشکیل شده است. به تعدادی از احزاب اصلی حاضر در پارلمان و برنامه های کلی آن ها مبنی بر حضور در مجامع بین المللی در ذیل اشاره می شود.

**حزب رادیکال:** این حزب برملی گرایی تکیه داشته و مخالف پیوستن سوئیس به جامعه ی اروپاست.

**حزب دموکرات مسیحی:** برنامه ی آن نوسازی هویت سوئیس و تطبیق آن با سوئیس بازتر که مفهوم آن همانا پذیرش عضویت در جامعه اروپاست.

**حزب دموکراتیک مرکز:** این حزب نماینده طبقه متوسط به شمار می رود و مخالف پیوستن اتحادیه ی سوئیس به جامعه ی اروپاست.

**حزب لیبرال:** این حزب با توجه به اصول خود بخش مهمی از تاریخ تحلیلی سوئیس را به خود اختصاص داده است. و درباره پیوستن به جامعه اروپا وضع مبهمی دارد.

**حزب سوسیالیست:** برنامه های این حزب تحت لوای شعار «سوئیس باید سوسیالیست تر شود» قرار دارد. و از دیدگاههای جنجالی آن پیوستن به اتحادیه ی اروپا می باشد.

**حزب آزادی:** این حزب برنامه های خود را حول محور «امنیت و آزادی» قرار داده است. و از دیدگاههای سنتی آن مخالفت با پیوستن به جامعه ی اروپا و سازمان ملل متحد است.

**دموکرات های سوئیس:** این حزب در گذشته «ادقام ملی» نام داشت، و با پیوستن به اتحادیه ی اروپا و گشودن مرزهای خود به روی شهروندان اروپایی مخالف می باشد.

### وضعیت نظامی

نیروهای مسلح سوئیس در دویست سال گذشته، به صورت یک وسیله ی موثر در جهت سیاست امنیت این کشور عمل کرده اند. آن ها به صورت یک نیروی شبه نظامی نظم یافته اند. برای هر شهروند مذکر سوئیس لازم است که دوره خدمت را طی کند. که خدمت اجباری ۳۴-۱۹ هفته برای مردان است. در عین حال زنان سوئیس هم می توانند در صورت تمایل، این دوره را سپری نمایند. نیروهای نظامی سوئیس سه وظیفه ی مجزا دارند که عبارتند از؛

- ۱- حفاظت و دفاع از مرزهای کشور و اتباع آن با برقراری امنیت منطقه ای و ایجاد دیوار دفاعی در مقابل هجوم بیگانگان.
- ۲- همکاری و کمک به مسئولان غیرنظامی در مواجه شدن آن ها با تهدید های جدی علیه امنیت داخلی و موقعیت های استثنایی دیگر نظیر بلایای داخلی و خارجی.
- ۳- کمک به تقویت صلح بین المللی و مدیریت بحران ها.

نیروهای مسلح سوئیس، برای انجام وظایف خود، با سایر نیروهای امنیتی این کشور همکاری نزدیک دارند و در عین حال توانایی خود را برای همکاری با نیروهای مسلح کشورهای دیگر نیز به طور مداوم افزایش می دهند. آخرین نتایج حاصل از نظر خواهی عمومی در رابطه با مسایل نظامی نشان داده اند که نیروهای مسلح سوئیس از حمایت گسترده ی مردم این کشور برخوردارند. ارتش سوئیس از لحاظ نیروی انسانی، ساختار، تشکیلات تعلیم دهی، زمان خدمات رسانی، و مفهوم عملیات، نیازهای جاری خود را تأمین می کنند و قدرت سازگاری با نیازهای آتی را نیز دارند. علی ایحال طی رفراندوم سال (۲۰۰۳م)، اصلاحات ارتش جهت کاهش نیرو به تصویب رسید.

### جنگ جهانی اول و دوم

با توجه به اینکه اکثر مردم سوئیس زبان مشترکی با آلمانی ها داشته اند، در عین حال در باورهای جمهوری خواهانه با فرانسوی ها سهیم بوده اند. حضور نظامی، نخست در ژورا، اما پس از ورود ایتالیا به جنگ در سال (۱۹۱۵م)، در گراوبوندن و تی چی نو، همانطور که ژنرال اولریخ ویله قصد کرده بود، از وسوسه ی نیروهای متخاصم برای استفاده از خاک سوئیس جهت احاطه بر دشمنانشان کاست. این کشور بی طرف در مرزهای خود فعالیت های انسانی را گسترش داد که بارزترین آن ها پناه دادن به



معلولان جنگی داخلی و باز گرداندن زخمیان و خیم جنگی به کشور خود بود. انسجام سیاسی داخلی سوئیس، زیر نفوذ دوگانه ی مسائل جدی اجتماعی و تهیج مارکسیستی، به نحو قابل ملاحظه ای کم شده بود، و این امر در اعتصاب عمومی سال (۱۹۱۸م)، به وضوح نمایان گردید و تأثیراتش برای مدت طولانی خود را نشان دادند.

در جنگ جهانی اول جدال نظامی صرفاً به همه ی ناحیه هایی که پیروزی در آن ها اهمیت داشت گسترش یافت. جنگ و گریز های کوتاه مدت معمول بین نیروهای زمینی به جدال های توان فرسا و طولانی مدت تبدیل گشتند. در جنگ جهانی دوم به دلیل حضور نیروی هوایی میدان نبرد، به پشت جبهه ها کشیده شد، قدرت ویرانگرانه ی نیروهای هوایی هم، به سبب تجهیزشان به سلاح های اتمی، بی اندازه گشت. این امر ژنرال آنری گیزان را به فکر انداخت که می بایست همه ی عامل های مورد نیاز برای بقای کشور را در نظر گیرد، و از این رو، استراتژی جامعی دنبال کند. شورای فدرال در سالهای بعد از جنگ شاخه های دفاع عمومی برای آینده را بوجود آورد، به عنوان مثال، به حفاظت از جمعیت، مهیا سازی اقتصاد ملی، دفاع روحی و روانی، و حفاظت از قانون اساسی اقدام نمود.

سوئیس با ارتباطات فوق العاده نزدیک فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی که با ایتالیا و آلمان داشت، خطرات ناشی از دیکتاتوری های فاشیستی و نازی بعدی را به سرعت باز شناخت. در نتیجه، هزینه ی نظامی در دهه ی میان (۱۹۳۱ و ۱۹۴۰م)، از حدود صد میلیون فرانک به حدود یک میلیارد فرانک در سال افزایش یافت و نهایتاً ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی و نصف هزینه دولت فدرال را دربر گرفت. چنین هزینه های تسلیحاتی، با توجه به موقعیت ویژه ی جغرافیایی سوئیس، و اراده ی دفاعی که تمامی کشور را دربر می گرفت و در وجود ژنرال آنری گیزان تجسم می یافت، به علاوه ی انتخاب اولین سوسیال دموکرات، ارنست نابز به عضویت شورای فدرال، زمینه ای فراهم ساختند که سوئیس در طی همه ی این جنگ های خانمان سوز در امان بماند. سربازان کارآزموده و موثر در هر دو دوره ی خدمت فعال نظامی (۱۹۱۴-۱۹۱۸ و ۱۹۴۵-۱۹۳۹م)، امتیاز تجربه ی نوع زندگی نظامی خود را در جنگ سرد شاهد بودند. واکنش به تهدیدات نظامی خودکامه به صورت دفاع ملی جامع جلوه کرد. غرفه ی نیروهای نظامی در نمایشگاه ملی (۱۹۴۶م)، در لوزان، که به شکل یک خارپشت بود، محاصره ی کامل نظامی بین سالهای (۱۹۴۴ تا ۱۹۴۰ م)، را به خاطر می آورد و گواه این واقعیت بود که وظیفه ی اساسی نیروهای مسلح سوئیس در مقابل خطر کمونیسم همان بود که در مقابل نازیسم و فاشیسم از خود نشان داد.

## اقتصاد و بانکها

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال (۲۰۱۰م)، رتبه ی اقتصاد سوئیس را نوزده معرفی کرده است. واحد پول این کشور فرانک است. و در سازمان های تجاری، انجمن تجارت آزاد اروپا، سازمان تجارت جهانی، سازمان همکاری و توسعه، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول عضویت دارد. صنایع اصلی سوئیس شامل، ماشین آلات، مواد شیمیایی، منسوجات و ابزار دقیق می باشد.

اقتصاد سوئیس یکی از پایدار ترین اقتصادهای جهان است. سیاستهای امنیت پولی از مدت طولانی، ثبات سیاسی و پناهگاه امنی برای سرمایه گذران می باشد. اقتصاد این کشور به طور فزاینده وابسته به جزر و مد مداوم سرمایه گذاری خارجی است. به دلیل اندازه ی کوچک این کشور، صنعت و تجارت، کار و تخصص بالا، کلیدهای اصلی اقتصاد سوئیس را تشکیل می دهند. سوئیس با داشتن بالاترین درآمدهای سرانه، نرخ بیکاری کم و کسری بودجه، در جهان موقعیت بسیار مناسبی را دارا است. که بخش خدمات نقش قابل توجهی در اقتصاد این کشور بازی می کند.

اما در مورد اسرار بانکی باید گفت از آنجایی که قوانین سوئیس یک سیستم محافظتی وسیعی نسبت به حفاظت از اسرار و اطلاعات مالی مشتریان بانکی به وجود آورده است، گاهی به عنوان یک ابزار حفاظتی کاملی و اغلب به مجموعه ای از موضوعات که همراه یا بدون استثنائات محدود بوده است؛ معرفی شده اند. با وجود اصل حفظ اسرار بانکی در منابع قانونی بانکداری کشور سوئیس در ماده ی ۴۷ مصوب سال (۱۹۳۴م)، بالصراحه بیان شده است، اگر چه بعد از قانون بانکداری ۲۴ ژانویه سال ۱۹۸۴، حقوق در این زمینه، در بسیاری از قسمتها تحت تأثیر استثنائات بوجود آمده، دچار فرسایش مداوم شده است.

« امروزه در جریان تکامل تدریجی قوانین مربوط به اسرار بانکی در حقوق سوئیس، این اصل در پی استثنائات بوجود آمده متمایل به انتقال شدن به یک حرکت همگرایی با بقیه ی کشور ها که اصل حفظ اسرار بانکی در آن ها با قبول استثنائاتی در خیلی زمینه ها که اقتصاد جهان را نیز تحت تأثیر خود

می گذارد، شده است. ولی این همگرایی هنوز کامل نشده است. یک موضوع همیشگی که تا قبل از سال (۲۰۰۹م)، نیز مطرح بود، اثر اسرار بانکی در مالیات کشور سوئیس در سطح جهانی بوده است. «کشور سوئیس با در دست داشتن حدود ۳۵ درصد از سرمایه های خصوصی و حقوقی در جهان که رقمی معادل سه تریلیون فرانک سوئیس است، گرداننده بخشی اعظم سیستم بین المللی است. قانون اسرار بانکی این کشور را به بزرگترین مرکز بانکداری خصوصی خارج از کشور تبدیل کرده است، که در حدود یک سوم از سرمایه های خصوصی برون مرزی را به خود اختصاص داده است. در این کشور بزرگترین میلیونرهای (دلار) جهان زندگی می کنند، که براساس گزارش مشاور بوستن در سال (۲۰۱۰م)، بیش از ۲۸۳ هزار میلیونر در این کشور زندگی می کنند. که حدود ۳/۶ درصد از جمعیت این کشور را شامل می شود و بیش از هر کشور دیگری در جهان است.

این کشور با شارژ کردن هزینه های خدماتی بالا نسبت به سایر کشورها و همچنین پرداختن سود کمتر از این سرمایه خارجی (متعلق به افراد خارجی) به انجا مختلفی سود می برد. آمار نشان می دهد که خدمات مالی حدود ۱۳-۹ درصد می باشد. ولی تخمین زده می شود که این میزان تا حدود ۲۰ درصد نیز برسد؛ زیرا تعداد سهام زیادی از بانکهای خصوصی که در بازار معامله نمی شوند در این مطالعه محسوب نگردیده است. در سال (۲۰۰۳م)، بخش مالی در قسمت استخدام حدود ۱۹۶ هزار نفر (۱۳۶ هزار نفر از آن ها در بخش کار بانکی) یعنی ۵/۶ درصد از نیروی کار سوئیس را به خود مشغول کرده است.

کارشناسان اقتصادی با مطالعات خود به این نتیجه رسیده اند که آمریکایی ها در حدود یک تریلیون دلار در حساب های بانکی خارج از کشور (مشمول اسرار بانکی) دارند که باعث فرار مالیاتی معدل ۷۰-۴۰ میلیون دلار می شود. بطوریکه همراه شدن اسرار بانکی با فرار مالیاتی انعکاس های جدی در اقتصاد ملی کشورها و اقتصاد بین المللی دارد. در ابتدا به نظر می رسید که این تمایز در استثنائات اسرار بانکی سوئیس در فرار مالیاتی قادر به ادامه راه نخواهد بود، اکنون عملاً نیز دیده می شود که سوئیس تحت فشارهای جوامع بین المللی از جمله اتحادیه ی اروپا و بعضی از کشورها مثل امریکا مجبور به بازنگری در قوانین اسرار بانکی خود شده است.

به طور کلی آنچه در مورد وضعیت بانکداری سوئیس می توان گفت اینکه، اگر از یک سو اصل حفظ اسرار بانکی موجب جذب سرمایه در یک کشور می شود از سوی دیگر مطلق بودن و نبودن استثناء لازم در اصل حفظ اسرار بانکی ممکن است باعث فراهم کردن زمینه مساعد برای فعالیت مجرمان اقتصادی گردد. لذا با توجه به اهمیت موضوع پیشنهاد می گردد منابع قانونی دقیق در این زمینه تهیه و تدوین گردد.

### نتیجه گیری

در جمع بندی این مقاله می توان گفت سوئیس در مرکز اروپا واقع شده است و بنابه قدمت طولانی این کشور و وضعیت خاص تاریخی که باعث اتحاد این کشور شد، موجبات اتخاذ سیاست بی طرفی آن را فراهم کرد که تا به امروز نیز ادامه دارد. و در این راستا می کوشد بی طرفی را در کنار اصول دیگری چون فدرالیسم و دموکراسی محفوظ نگاه دارد.

( منابع در دفتر نشریه موجود میباشد )